

معرفی سبک‌های فرزندپروری بر اساس دل‌نگرانی والدین: مطالعه زبانهنگی

Introducing Parenting Styles in Light of Parental Concern: A Cultuling Study

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.18.4.695>

R. Pishghadam, Ph.D.

Department of English, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran

S. Ebrahimi, Ph.D.

Department of Persian Language and Literature, Ferdowsi
University of Mashhad, Mashhad, Iran

دکتر رضا پیش‌قدم

گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد

✉ **دکتر شیما ابراهیمی**

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۸/۱۲

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۱/۱۱/۸

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

Abstract

This study defines parenting styles based on the level of parental concern. A qualitative research design was chosen to address the research questions. A total of 473 statements from 388 parents' naturally occurring conversations and 512 statements from 428 parents' conversations in 45 Iranian TV series and films, which were relevant to parental concern, were analyzed using the conceptual model of cultuling. Results demonstrated that parents in unequal and informal situations were concerned with matters such as matt-

چکیده

پژوهش حاضر با هدف معرفی سبک‌های فرزندپروری بر اساس میزان دل‌نگرانی والدین انجام گرفت. روش پژوهش، توصیفی از نوع کیفی و کاربردی بود. جامعه آماری پژوهش والدین ایرانی بودند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و مکالمات آنان در ۵ ماه از سال ۱۴۰۱ مورد مذاقه قرار گرفت. ۴۷۳ پاره‌گفتار از مکالمات ۳۸۸ والد در بافت طبیعی و ۵۱۲ پاره‌گفتار از مکالمات ۴۲۸ والد در ۴۵ سریال و فیلم‌های ایرانی که حاوی عبارات دل‌نگرانی والدین بود، بر اساس الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ واکاوی شد.

✉Corresponding author: Department of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
Email: shimaebrahimi@um.ac.ir

✉نویسنده مسئول: مشهد، میدان آزادی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، گروه زبان و ادبیات فارسی
shimaebrahimi@um.ac.ir: پست الکترونیکی:

-ers as assistance, consultation, persuasion, advice, forcing their opinions, saving face, avoiding blame, blaming, complaining, protesting, and avoiding responsibility. These expressions could indicate cultural patterns, such as masculinity, collectivism, and holism, particularly in parents with traditional thinking. In addition, a new classification of parenting styles in terms of concern levels was introduced: Apathic, Sympatric, Empathic, and Metapathic parents (a: imposed and b: persuasive). The findings revealed the most common forms of parents' concern were empathy, metapathy, and then sympathy. This demonstrates that the majority of parents interact with their children empathically, and the imposition of opinions in traditional Iranian families has declined in recent years as more individuals move toward individualism. Moreover, some families prefer apathetic and sympatric parenting styles. In extreme cases, this may create an emotional and generational chasm between parents and children with long-term repercussions for children. Therefore, it is essential to establish a balance between parenting styles.

Keywords: The Conceptual Model of Culturing, Concern, Parenting Styles, Metapathy.

نتایج نشان داد والدین در موقعیت نابرابر و غیررسمی دغدغه‌مندی خود را با اهدافی نظیر مساعدت و هم‌فکری، تحمیل نظر، اقناعگری، نصیحت، حفظ آبرو، تبرئه خود، شماتت و سرزنش، گلايه، اعتراض و سلب مسئولیت نسبت به فرزندان نشان می‌دهند. این عبارات به‌ویژه در والدین با تفکرات سنتی می‌تواند نشان‌دهنده الگوهای فرهنگی مانند مردنگری، جمع‌گرایی و کل‌نگری باشد. افزون بر این، در دسته‌بندی جدیدی از فرزندپروری برحسب میزان دل‌نگرانی، چهار دسته والدین هیچ‌دل، برون‌دل، درون‌دل و فرادل (الف. تحمیلی، ب. اقناعی) معرفی شدند. نتایج نشان داد بیشترین میزان دل‌نگرانی والدین در سطح درون‌دلی و پس از آن، به‌ترتیب در سطوح فرادلی و برون‌دلی بوده است. این امر نشان می‌دهد بیشتر والدین تمایل دارند در سطح همدلی با فرزندان خود رفتار کنند. امروزه تحمیل عقاید و نظرات در خانواده‌های ایرانی کم‌رنگ شده و افراد بیشتر به سمت فردگرایی در حرکت هستند. این امر تا بدان‌جا پیش می‌رود که برخی خانواده‌ها ترجیح می‌دهند سبک‌های فرزندپروری هیچ‌دلی و برون‌دلی را برگزینند. این امر به صورت افراطی ممکن است گسست عاطفی و نسلی بین والدین و فرزندان را به وجود آورد و در آینده فرزندان تأثیرات سوئی داشته باشد. بنابراین برقراری تعادل میان سبک‌های فرزندپروری حائز اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: الگوی تحلیل مفهومی زی‌بهانگ، دل‌نگرانی، سبک‌های فرزندپروری، فرادلی

مقدمه

نقش اساسی والدین به‌عنوان اولین عامل اجتماعی کردن فرزندان و تأثیر بر زندگی فردی و اجتماعی، رشد و تحول روان‌شناختی و اجتماعی آنان بر همگان مبرهن است (گرولنیک و ریان،^۱ ۲۰۰۹). در واقع تأثیر خانواده در رشد همه‌جانبه کودک، از لحظه تولد آغاز می‌شود و در سراسر زندگی وی نقش مهمی ایفا می‌کند (طباطبایی، فضلی و یارعلی،^۲ ۱۳۹۳).

از میان عوامل متعددی که در پرورش و تربیت شخصیت سالم فرزند مؤثر است، رابطه متقابل میان والدین و فرزند و نحوه رفتار آنان با یکدیگر در محیط خانواده، از اهمیت بسیاری برخوردار است. چنانچه رابطه متعادلی میان پدر و مادر و فرزند برقرار باشد، وی از سلامت روانی و شخصیت سالم برخوردار خواهد بود و محیط خانواده نخستین محیطی است که روی شخصیت، انگیزه پیشرفت و حرمت فرزندان تأثیر می‌گذارد (وکیلی و آقاسینی،^۳ ۱۳۹۸). در برقراری چنین ارتباطی، هر خانواده‌ای شیوه تربیتی خاصی را برای فرزندش در نظر می‌گیرد که سبک فرزندپروری^۴ نامیده می‌شود و متأثر از عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است (هاردی، پاور و جابدیک،^۵ ۱۹۹۳). افزون بر این، اعتقادات، نگرش‌ها و رفتارهای والدین نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و هویت فرزند دارد و در فرزندپروری، جو عاطفی مثبت یا منفی میان والدین و فرزندان به این عوامل وابسته است (دارلینگ و اشتاین برگ،^۶ ۱۹۹۳؛ سربان، مراد و طیبی،^۷ ۲۰۱۴). در واقع سبک‌های فرزندپروری به ویژگی‌های پایدار والدین در طول زمان بستگی دارد که زمینه‌ساز عاطفی و زیست‌محیطی اجتماعی‌شدن کودک است (یزدانی و دریایی،^۸ ۲۰۱۶). مطالعات متعددی از فرزندپروری به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در بروز یا تداوم مشکلات رفتاری کودکان یاد کرده‌اند (ارجمندنیبا، صفایی و ملکی،^۹ ۱۳۹۶؛ جهان‌بخشی و شعبانی،^{۱۰} ۲۰۲۲). از میان این عوامل، کنترل^{۱۱} و محبت (گرمی^{۱۲}) دو مؤلفه اصلی در سبک فرزندپروری است (بامریند،^{۱۳} ۱۹۷۱). منظور از کنترل، قواعدی است که از سوی والدین برای فرزندان تعیین می‌شود و آن‌ها توقع دارند فرزندان بر اساس این قواعد رفتار کنند؛ محبت نیز به عاطفه، صمیمیت و علاقه والدین به فرزندان خود اشاره دارد (شیفر،^{۱۴} ۲۰۰۳). بر اساس این دو شاخص، چهار شیوه فرزندپروری مستبدانه،^{۱۵} مقتدرانه،^{۱۶} سهل‌گیرانه^{۱۷} و غفلت‌ورزانه^{۱۸} مطرح شده است (بامریند، ۱۹۹۶؛ اسمتانا،^{۱۹} ۲۰۱۱؛ شیفر، ۲۰۰۳). در فرزندپروری مستبدانه، سطح زیادی از کنترلگری توسط والدین مشاهده می‌شود و فرزندان در بحث با والدین و تصمیم‌گیری به‌صورت مستقل اختیاری از خود ندارند و گاهی تنبیه نیز می‌شوند. چنین والدینی معمولاً سرد و طردکننده هستند و فرزندان خود را تحقیر می‌کنند (باربر، استلز و اسلن،^{۲۰} ۲۰۰۵)؛ در فرزندپروری مقتدرانه، اگرچه سطح بالایی از کنترلگری، وضع قواعد و مقررات از سوی والدین وجود دارد، آنان دلسوزانه و صمیمانه فرزندان خود را به‌طور واقع‌بینانه با توانایی‌هایشان نیز مواجه می‌کنند. به این ترتیب، استقلال و اعتمادبه‌نفسشان تشویق می‌شود؛ در سبک سهل‌گیرانه، والدین قدرت اختیار زیادی به فرزندان می‌دهند و معتقدند آنان هرچه بخواهند می‌توانند انجام دهند. در چنین رابطه‌ای، اگرچه استقلال تشویق می‌شود، هدایت چندانی از سوی والدین وجود ندارد (کوپکو،^{۲۱} ۲۰۰۷)؛ در فرزندپروری غفلت‌ورزانه، والدین اغلب طردکننده هستند یا خیلی کم به فرزندان خود اهمیت می‌دهند و آن‌ها را راهنمایی می‌کنند یا در سطح بی‌توجهی به فرزندان خود قرار دارند (آبار، کارتر و وینسلر،^{۲۲} ۲۰۰۹). درباره سبک‌های فرزندپروری، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است. برای نمونه، خلیلی‌فرد، کاظمی و جاویدی^{۲۳} (۱۳۹۳) به ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری با عملکرد اجتماعی کارکردهای روان‌شناختی فرزندان پرداختند. سعیدی‌مهر، گراوندی، صاحب‌الزمانی و محمدی^{۲۴} (۱۳۹۵) نیز به بررسی رابطه جنسیت والدین و سبک‌های فرزندپروری پرداختند و نتایج پژوهش آنان نشان داد که میان والدین زن و مرد در سبک‌های فرزندپروری رابطه معناداری وجود ندارد. از سوی دیگر، بخت‌آور^{۲۵} (۱۳۹۹) با بررسی ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی والدین با تیپ‌های شخصیتی فرزندان

آن‌ها معتقد است روش‌های تربیتی قاطعانه، روش مناسبی برای تربیت و تکوین شخصیت فرزندان است. در پژوهشی دیگر، صادقی، ایوبی و براند^{۲۶} (۲۰۲۲) نیز نشان دادند که رابطه معنادار مثبتی میان سبک‌های فرزندپروری والدین و رشد شناختی و اجتماعی فرزندان وجود دارد. تیواری^{۲۷} (۲۰۲۲) به تأثیر نقش سبک‌های فرزندپروری در میزان یادگیری فرزندان پرداخت و نتایج پژوهش وی نشان داد از میان سبک‌های فرزندپروری، سبک مقتدرانه بهترین سبک برای یادگیری فرزندان است.

از سوی دیگر، افزون بر دسته‌بندی‌های ارائه‌شده از سبک‌های فرزندپروری، والدین در فرزندپروری با بهره‌گیری از زبان و گفتار، فرزندان را برای زندگی در جامعه آماده می‌کنند و وظیفه جامعه‌پذیری کودک بر عهده خانواده، به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در جوامع انسانی، است (یکتاپرست، اسعدی و رحیمی،^{۲۸} ۱۳۹۹). بنابراین، نقش زبان و گفتار والدین هنگام صحبت با فرزندان، در فرزندپروری و نشان‌دادن سبک تربیتی و فرهنگی آنان حائز اهمیت است. باید به این مهم توجه کرد که فرهنگ افراد نیز از طریق زبان آن‌ها منتقل می‌شود (پوریزدان‌پناه کرمانی،^{۲۹} ۱۳۹۹) و با بررسی زبان افراد یک جامعه می‌توان به فرهنگ مستتر آنان نیز پی برد (پیش‌قدم و ابراهیمی،^{۳۰} ۲۰۲۰). بنابراین، پیش‌قدم (۱۳۹۱) با ترکیب دو واژه «زبان» و «فرهنگ»، مفهوم «زباهنگ»^{۳۱} یعنی فرهنگ در زبان را ارائه داد: «زباهنگ به ساختارها و عباراتی از زبان اشاره دارد که نما و شمای فرهنگی یک قوم را نشان می‌دهند و دربردارنده رابطه دوسویه میان زبان و فرهنگ‌اند. یعنی زبان می‌تواند نمایانگر فرهنگ یک جامعه باشد» (پیش‌قدم، ۱۳۹۱) و بر عادات ذهنی، شیوه بیان و رفتار افراد آن نیز تأثیر بگذارد (پیش‌قدم، درخشان و ابراهیمی،^{۳۲} ۲۰۲۲). از این‌رو عباراتی که والدین درباره فرزندان خود، در بافت‌های گوناگون به کار می‌برند، می‌تواند نشان‌دهنده فرهنگ و نوع نگرش آن‌ها باشد و با بررسی آن‌ها می‌توان به فرهنگ مستتر در پشت این عبارات زبانی نیز پی برد (پیش‌قدم، ابراهیمی، شعیری و درخشان،^{۳۳} ۱۴۰۰).

والدین در تعامل با فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری اشاره‌شده، دغدغه‌مندی و دل‌نگرانی متفاوتی دارند. پیش‌قدم و ابراهیمی (۱۴۰۱)، با مطرح کردن زباهنگ، میزان دغدغه‌مندی و دل‌نگران بودن افراد نسبت به دیگران^{۳۴} معتقدند دغدغه‌مندی افراد نسبت به یکدیگر، در کلام و در سطوح مختلف تجلی می‌یابد؛ یعنی افراد نسبت به دیگران چه احساس و تفکری دارند و هنگامی که مشکلی برای دیگران به وجود می‌آید، با چه کلمات و عباراتی در برابر این مشکلات واکنش نشان می‌دهند. با توجه به اهمیت عبارات زبانی در تعیین نوع سبک فرزندپروری والدین در بافت‌های گوناگون، از آنجایی که به نظر می‌رسد سبک‌های فرزندپروری تاکنون از این حیث مدنظر قرار نگرفته است، در مطالعه حاضر، نگارندگان عبارات زبانی‌ای را که نشان‌دهنده دل‌نگرانی والدین نسبت به فرزندان‌شان هست، مورد مذاقه قرار داده‌اند. بر این اساس، تلاش دارند پس از بررسی موقعیت‌های زمانی و مکانی این عبارات، اهداف، لحن‌های غالب، الگوهای فرهنگی مستتر در آن‌ها و نوع حس و هیجان نسبت به این عبارات، دسته‌بندی جدیدی از سبک‌های فرزندپروری ارائه دهند. لازم به ذکر است مطالعه زباهنگی، راه را برای تشخیص رفتارهای درست و نادرست، به‌عنوان زن‌های معیوب، هموار می‌سازد و از این طریق می‌توان در راه تعالی فرهنگی^{۳۵} (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۲۰۲۰) و بهبود روابط والدین و فرزندان گام برداشت.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر کیفی و از نوع کاربردی است که با هدف معرفی سبک‌های فرزندپروری بر اساس دل‌نگرانی والدین انجام شده است. بدین منظور، جامعه آماری مورد مطالعه تمامی والدین ایرانی در سال ۱۴۰۱ بودند که نگارندگان به‌منظور بررسی میزان و نوع دغدغه‌مندی و دل‌نگرانی آنان نسبت به فرزندانشان، تلاش کردند پاره‌گفتارهای مربوط به این دل‌نگرانی‌ها را در تمامی بافت‌های زندگی روزمره مورد مذاقه قرار دهند. بدین منظور، مکالمات والدین و فرزندان به‌صورت تصادفی در اماکن عمومی و خصوصی، اعم از فروشگاه‌ها، مدارس، فضاهای خانوادگی و فضای مجازی (گروه‌های تلگرامی خانوادگی، واتساپ، اینستاگرام و...)، در مدت‌زمان پنج ماه، از فروردین تا مرداد ۱۴۰۱، رصد شد. سپس، از میان آن‌ها به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند، ۴۷۳ پاره‌گفتارهای طبیعی از مکالمات ۳۸۸ والد (۱۶۹ پدر در بازه سنی ۳۱ تا ۷۶ سال و ۲۱۹ مادر با بازه سنی ۲۴ تا ۶۹ سال)، راجع به دل‌نگرانی والدین نسبت به آینده، تحصیل و سایر موارد فرزندان، تا حد اشباع جمع‌آوری شد. شغل این والدین متفاوت بود؛ مانند آزاد، استاد دانشگاه، خانه‌دار و... و از سطح تحصیلی متفاوتی (دکتری ۴۴ نفر، کارشناسی‌ارشد ۵۹ نفر، کارشناسی ۱۱۷ نفر، دیپلم ۹۲ نفر و زیر دیپلم ۷۶ نفر) برخوردار بودند. لازم به ذکر است نگارندگان به‌منظور بررسی بیشتر داده‌ها، افزون بر بافت طبیعی، مکالمات شخصیت‌های ۴۵ سریال و فیلم‌های ایرانی با ژانر خانوادگی و اجتماعی را که در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ تولید شده بود، مانند فضای مکالمات افراد عادی در جامعه مدنظر قرار دادند؛ زیرا در فیلم‌ها و سریال‌ها مکالماتی در فضای خانوادگی خصوصی همانند فضای واقعی جامعه به نمایش گذاشته می‌شود که نگارندگان در حالت معمول نمی‌توانستند به آن دسترسی داشته باشند؛ علاوه بر این، برخی پژوهشگران مانند دهل^{۳۴} (۲۰۰۴) و مینینی^{۳۷} (۲۰۰۷) معتقدند داده‌های مستند، مانند فیلم‌ها و رسانه ملی، می‌تواند نمایانگر فرهنگ هر جامعه باشد و رفتارها و نگرش مردم آن جامعه را منعکس سازد. لیکن این امر در تحلیل پژوهش خللی ایجاد نکرد. بدین منظور، فیلم‌ها و سریال‌های موردنظر به‌صورت تصادفی انتخاب و از ابتدا تا انتها مشاهده شد. از میان همه مکالمات، ۵۱۲ پاره‌گفتار که نشان‌دهنده میزان دغدغه‌مندی والدین و فرزندپروری از این حیث بود، از مکالمات ۴۲۸ والد (۲۱۹ پدر و ۲۰۹ مادر) با فرزندانشان، استخراج شد. جمع‌آوری داده‌های پژوهش تا زمان اشباع پاسخ‌ها ادامه یافت و تا زمانی که اطلاعات جدیدی از مکالمات به دست نیامد، نگارندگان به مکتوب‌سازی پاره‌گفتارهای جمع‌آوری‌شده پرداختند. شایان ذکر است عبارات استخراج‌شده را دو مدرس دانشگاه رشته‌های علوم تربیتی و آموزش زبان بررسی کردند. پایایی بین آنان ۰/۹۷ بوده است. برای تحلیل داده‌ها از الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ استفاده شد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

پیش‌قدم، ابراهیمی و درخشان (۲۰۲۰) الگوی تحلیل مفهومی زبانهنگ را متشکل از سه الگوی SPEAKING، الگوی فرهنگی و الگوی هیجامد می‌دانند که با بررسی پاره‌گفتارها بر اساس آن، می‌توان به منظور گوینده از مکالمه و در سطح گسترده‌تر، به فرهنگ نهفته در پشت این عبارات در سطح جامعه، دست یافت. هایمز^{۳۸} در سال ۱۹۶۷ الگوی SPEAKING را مطرح کرد. او معتقد است در ارتباطات و تعاملات اجتماعی میان افراد، فقط توجه به صورت‌های دستوری صرف کفایت نمی‌کند و مجموعه‌ای از عوامل

هشتگانه برای تحلیل زبان و عبارات زبانی در بافت اجتماعی گفتمان‌ها تسهیل‌گر است؛ این عوامل عبارت است از: ۱. محیط/صحنه^{۳۹} (S): موقعیت زمانی و مکانی که مکالمه در آن رخ می‌دهد (خصوصی، عمومی، رسمی و غیررسمی)؛ ۲. شرکت‌کنندگان^{۴۰} (P): همه افراد درگیر در یک مکالمه اعم از سخن‌گو و مخاطب برحسب سن، جنسیت، ملیت و...؛ ۳. هدف^{۴۱} (E) افراد از بیان یک گفته؛ ۴. ترتیب عملکرد^{۴۲} (A): چگونگی بیان گفته، نظم و ترتیب آن؛ ۵. لحن^{۴۳} (K): چگونگی بیان گفتار و آهنگ آن؛ ۶. ابزار گفتمان^{۴۴} (I): شیوه بیان و سبک و سیاق گفتمان اعم از نوشتاری، گفتاری یا تلگرافی؛ ۷. قوانین گفتمان^{۴۵} (N): هنجارها و قواعد اجتماعی یک گفته؛ ۸. نوع گفتمان^{۴۶} (G): قالب‌های متفاوت بیان گفته، مانند شعر، مثل، معما، داستان، افسانه، مکالمه، دعا، لطیفه و... . افزون بر این عوامل، پیش‌قدم، ابراهیمی و درخشان (۲۰۲۰) معتقدند در تحلیل زبانهنگ‌ها سه مؤلفه دیگر نیز دارای اهمیت است: «بسامد تکرار واژه»، «هیجان نسبت به کارگیری آن واژه»، «احساسی که از رویارویی و شنیدن واژه ایجاد می‌شود». بر این اساس، الگوی هیجامد^{۴۷} را پیش‌قدم (۲۰۱۵) مطرح کرد. وی معتقد است حس عاطفی و هیجانی واژگان و عبارات زبانی در هر جامعه زبانی متفاوت است و افراد با توجه به اینکه چه میزان حواس درگیر شده را در مواجهه با موضوع تجربه کرده‌اند، هیجان متفاوتی در مقابل آن دارند. از همین روی، تجربه هیجانی فردی که فقط واژه‌ای را شنیده با فردی که آن را از نزدیک احساس و تجربه کرده، متفاوت است که می‌تواند در تحلیل عبارات زبانی لحاظ شود. افزون بر این، هر یک از عبارات زبانی پربسامد که در جامعه به کار می‌رود، در بردارنده ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری افراد آن جامعه است که در قالب الگوهای فرهنگی^{۴۸} حاوی خصوصیات رفتاری و فکری مردم آن جامعه نمود می‌یابد. با بررسی این عبارات در قالب الگوی تحلیل زبانهنگی، می‌توان به جهت‌گیری‌های ارزشی، فکری، احساسی و رفتاری مردم آن جامعه به‌عنوان معیاری برای سنجش فرهنگ آن دست یافت (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۲۰۲۰). این الگوها با ارزش‌ها، رفتارها، هنجارها و نگرش‌های مردم آن جامعه مرتبط است و ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری آنان را نشان می‌دهد. بنابراین، الگوهای فرهنگی را می‌توان نوعی از سازمان‌دهی دانش جمعی مشترک محسوب کرد که نقشه ذهنی اعضای هر جامعه را نشان می‌دهد (ملتسوا،^{۴۹} ۲۰۱۷). با توجه به این موارد، پاره‌گفتارهای جمع‌آوری‌شده بر اساس مجموع این سه الگو که الگوی تحلیل مفهومی زبانهنگ نامیده شده، مورد ارزیابی، تحلیل و دسته‌بندی قرار گرفت. به دلیل حجم زیاد پاره‌گفتارها، برای هر قسمت، به‌منظور وضوح، به ذکر یک مثال بسنده شده است.

بیان یافته‌ها

در این بخش، پاره‌گفتارهای حاوی زبانهنگ دل‌نگرانی والدین با توجه به الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ و سطوح سه‌گانه این الگو، به تفکیک هر جزء، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

الف. بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی والدین بر اساس الگوی SPEAKING

محیط و موقعیت استفاده: عبارات مربوط به دل‌نگرانی والدین در موقعیت‌های گوناگون عمومی و رسمی، مانند مدارس، دانشگاه، اداره و... با بسامد ۶۲ درصد و خصوصی و غیررسمی، مانند جمع‌های خانوادگی، مهمانی و... با بسامد ۳۸ درصد به کار رفته است. شایسته یادآوری است واکاوی صفحات

اینستاگرامی و گروه‌های خانوادگی در صفحات مجازی نیز نشان‌دهنده کاربرد پرتکرار عبارات دل‌نگرانی در سطح غیررسمی است. بنابراین، می‌توان گفت والدین در هر موقعیتی که فرزندشان باشد، اعم از خصوصی و عمومی، نسبت به آنان دل‌نگرانی دارند؛ اما بسامد کاربرد در موقعیت خصوصی و غیررسمی بیشتر است. برای نمونه، پدری پس از شنیدن خبر تصمیم جدایی فرزندش، در مکالمه تلفنی یکی از سریال‌ها، به وی چنین گفته است: «آخه آینده اون دو تا بچه بی‌گناهت چی می‌شه؟! چرا بدون مشورت هر کار دلت می‌خواد می‌کنی؛ مگه تو بی‌خانواده‌ای آخه!» این کلمات در بافت خصوصی و غیررسمی میان پدر و دخترش ردوبدل شده است.

شرکت‌کنندگان: این عبارات از آنجایی که از طرف یکی از والدین خطاب به فرزندش ذکر می‌شود، در تمامی داده‌های جمع‌آوری‌شده در موقعیت نابرابر و غیررسمی بیان شده است. به‌عنوان نمونه، مادری در فروشگاه به دخترش چنین گفته است: «قرار نشد هرچی تو اراده کنی من واسه‌ت بگیرم. بیخودی اصرار نکن من صلاح‌تو بهتر می‌دونم».

اهداف: بررسی داده‌ها نشان می‌دهد والدین اغلب بنا بر یکی از اهداف زیر از عبارات دل‌نگرانی هنگام صحبت با فرزند خود استفاده می‌کنند.

جدول ۱: اهداف غالب دل‌نگرانی والدین برای فرزندان

ردیف	هدف	درصد فراوانی	مثال
۱	مساعدت و همفکری	۱۹٪	بیا خونه فکرامون رو بریزیم رو هم ببینیم چطوری می‌تونیم پول جور کنیم قسطاش رو بدیم. نگران نباش یه کاریش می‌کنیم.
۲	تحمیل نظر	۱۴٪	هرچی بهت می‌گم گوش می‌کنی، صداتم درنمیاد. گفتم که فقط رشته تجربی! با این رشته آینده داری.
۳	اقتناع‌گری	۱۳٪	ببین پسرمن احمد رو ببین. درس بخوند تلاش کرد الان خونه‌زندگی خوبی داره. هرکی تلاش کنه نتیجه‌شم می‌بینه. تو چی فکر می‌کنی؟
۴	نصیحت	۱۱٪	منم هم‌سن تو بودم کلمه بوی قورمه‌سبزی می‌داد. با همه دعوا راه می‌انداختم. اما از این چیزا چی عایدت می‌شه؟! بشین با خودت فکر کن و این قدر قلدربازی درنیار.
۵	حفظ آبرو	۹٪	برو بشین درست رو بخون. فردا پس‌فردا کنکور داری. نتایج میاد، آبروی ما رو تو فامیل نبری.
۶	تبرئه خود	۸٪	من که بهت گفته بودم خودت گوش ندادی. حالا هم خودت می‌دونی به ما ربطی نداره!
۷	شماتت و سرزنش	۸٪	خدا می‌دونه توی اعجوبه به کی رفتی. از همین پسرعموت یاد بگیر که سرش بیست‌وچهارساعته تو کتابه. برو بشین پای درس و مشقت.
۸	گلایه	۷٪	نباید یه رنگ به مادر پیرت بزنی و یه خبری بدی بلکه نگران نشه؟ اگر اتفاقی واسه‌ت می‌افتاد چه خاکی رو سرم می‌ریختم؟
۹	اعتراض	۶٪	خسته شدم از دست این ولخرج‌ات، چی می‌خوای از جون ما تو؟ چه گناهی کردیم تا سی‌سالگی باید خرج تو رو بدیم؟! برو سر کار. بی‌مسئولیتی تا کی.
۱۰	سلب مسئولیت	۵٪	چند بار بهت از قبل گفته بودم که اگر بدون مشورت کاری کنی تاوانش رو می‌دی. می‌خواستی ماشین رو بی‌اجازه برداری. یه بار برو کله‌ت به سنگ بخوره تا بفهمی.

ترتیب عملکرد: هنگامی که والدین میزان دغدغه‌مندی خود را به فرزندشان ابراز می‌کنند، با واکنش‌های متعددی مواجه می‌شوند. هنگامی که اصرار و تحمیل نظر به‌صورت دیکتاتوری و خودخواهانه از سمت والدین وجود داشت، فرزند یا از روی ترس خواسته آنان را انجام می‌داد؛ مانند «پدر: یه بار دیگه حرف

روی حرف من بیاری آن چنان بلایی به سرت می‌یارم که مرغای آسمون به حالت زار بززن. هرچی من گفتم همونه. حرف هم نباشه». فرزند سرش را آرام پایین انداخته و با چشم‌گفتن، به دلیل ترس از پدر خود، از اتاق خارج می‌شود؛ یا شروع به نزاع با آنان کرده و تلاش می‌کند والدینش را مجاب کند. مانند: (مادر: این پسر به درد تو نمی‌خوره؛ چند بار باید بهت بگن تا توی کلهت بره که از لحاظ فرهنگی هیچ سنخیتی با ما ندارن. دختر در حالی که فریاد می‌زند چنین پاسخ می‌دهد: «سل ما و خواسته‌هامون با شما متفاوت. بابا رو راضی کن وگرنه از این خونه می‌رم».

لحن: والدین اغلب دغدغه‌مندی خود نسبت به مسائل فرزندانشان را با یکی از لحن‌های زیر بیان کردند:

جدول ۲: لحن‌های غالب والدین در بیان دل‌نگرانی به فرزندان

ردیف	لحن	درصد فراوانی	مثال
۱	حمایتی	۲۲٪	تو برو کارهای اولیه‌ش رو انجام بده، ما مثل کوه پشتیم.
۲	نصیحت‌آمیز	۱۹٪	پسرم تو پاره‌تن ما هستی. آینده تو آینده ماست. به حرف پدر پیرت احترام بذار. خوبی‌ت رو می‌خواد.
۳	مقتدرانه	۱۵٪	لطفاً پسرم بار دیگه در جمع جلوی بزرگ‌ترا این طوری صحبت نکن. در شأن پسر بالادی مثل تو نبود.
۴	بازدارنده	۱۲٪	حق نداری مثل نخود آش تو هرچیزی دخالت کنی.
۵	دلسوزانه	۱۰٪	دخترم عمرت رو این‌جوری بر باد نده. از قدیم گفتن مهرم حلال جونم آزاد.
۶	عصبانی	۹٪	تو خجالت نمی‌کشی صدات رو روی پدرت بلند می‌کنی؟! بچه تربیت کردیم! بالای جونمون شد. برو بشین پای درس و کتابت.
۷	اعتراض‌آمیز	۵٪	چرا هرکار می‌کنی ما باید آخرین نفر در جریان قرار بگیریم؟! بار آخر باشه.
۸	ملتمسانه	۳٪	تو رو چون هرکی دوست داری بیا بریم پیش مشاور!
۹	اطمینان‌دهنده	۲٪	مطمئن باش پدر و مادرت همیشه مثل کوه پشت هستند. برو جلو توکل بر خدا. وام می‌گیریم کمکت می‌کنیم.
۱۰	اغراق‌آمیز	۱٪	همه عمرم رو گذاشتم پای تو که برای خودت کسی بشی. این قدر وقتت رو با دوستای نابابت هدر نده.
۱۱	بی‌اعتنا	۱٪	به من ربطی نداره. هرکی خربزه می‌خوره، پای لرزشم می‌شین. خود دانی!

ابزار گفتمان: همان گونه که مثال‌های بالا نشان می‌دهد، عبارات دغدغه‌مندی والدین غالباً در مکالمات شفاهی و به صورت گفتاری به کار رفته است. جالب توجه است که در گذشته این عبارات به صورت نوشتاری نیز در نوشته‌ها و اشعار شاعران کاربرد داشته است. به عنوان نمونه، این ابیات نظامی که نشان‌دهنده دغدغه‌مندی و دل‌نگرانی پدر نسبت به آینده فرزندش است و در قالب نصیحت و پند و اندرز بیان شده: «آن روز که هفت‌ساله بودی/چون گل به چمن حواله بودی/و اکنون که به چارده رسیدی/چون سرو بر اوج سرکشیدی/غافل منشین نه وقت بازیست/وقت هنر است و سرفرازیت/دانش طلب و بزرگی آموز/تا به نگرند روزت از روز».

قوانین گفتمان: به طور کلی به کاربرد عبارات زبانی در کلام والدین بیانگر هیجانات، عواطف و میزان دغدغه‌مندی آنان نسبت به فرزندانشان است که نشان‌دهنده ویژگی خانواده‌دوستی: «من جون و ایمونم شماها هستید. تو فقط لب تر کن»، اتحاد و همدلی: «باید همه دست به دست هم بدیم و این مشکل رو باهم حل کنیم» و... است که می‌توانند در سطوح مختلف دغدغه‌مندی زیاد، متوسط و کم با اهداف و لحن‌هایی که

ذکر شد به کار رود. در جامعه ایرانی، عموماً والدین به‌عنوان افراد تصمیم‌گیرنده در نقش بزرگ‌تر هستند که اطاعت فرزندان یا مخالفت آنان را در به‌دنبال دارد. گاهی والدین مجبورند برای اقتناع فرزندان نظر خود را غیرمستقیم بیان کنند، گاهی نیز نظرات به‌صورت مستقیم و حتی تحمیلی به فرزندان ارائه می‌شود.

نوع گفتمان: دغدغه‌مندی والدین در فرزندپروری، همواره در انواع گوناگون گفتمان، مانند مکالمات شفاهی، نثر، مثل، شعر، داستان و فیلم و... نمود داشته است. اما داده‌های پژوهش نگارندگان، در مکالمات شفاهی بافت واقعی روزمره و فیلم و سریال محدود شده است. همه مثال‌های ارائه شده تاکنون، نشان‌دهنده کاربرد این نوع از گفتمان است.

ب. بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی والدین بر اساس الگوی هیجامد

تأثیر خانواده در رشد همه‌جانبه کودک از لحظه تولد آغاز می‌شود و در سراسر زندگی وی همواره وجود دارد. هر خانواده‌ای که دارای فرزند است، دغدغه تربیت وی را دارد و تلاش می‌کند شیوه‌های تربیتی خاصی را برای او در نظر بگیرد. بنابراین برحسب این شیوه‌های تربیتی که بر اساس اعتقادات و نگرش والدین شکل می‌گیرد، بسامد کاربرد عبارات، در هر سطحی از دغدغه‌مندی، در کلام و گفتمان آنان بالاست. نوع هیجان فرزندان نیز بسته به میزان حق انتخابی که والدین به آنان می‌دهند، می‌تواند مثبت یا منفی باشد. به‌عنوان نمونه، چنانچه فرزندی تقاضایی مانند انتخاب رشته تحصیلی برحسب علاقه خود را داشته باشد و والدینش با وی مخالفت ورزند، هیجان و حس منفی را تجربه خواهد کرد و برعکس؛ چنانچه به وی حق انتخاب آزادانه دهند و اعتمادبه‌نفس او تقویت شود، حس و هیجان مثبتی را تجربه خواهد کرد. آنچه اهمیت دارد، این است که تمامی فرزندان و والدین آن‌ها در زندگی روزمره خود، بارها از کودکی تا بزرگسالی، با این عبارات مواجه می‌شوند و این جملات بخش بزرگی از زندگی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. بنابراین این عبارات با زندگی آن‌ها عجین شده و در سطح درون‌آگاهی^{۵۰} نسبت به آن قرار دارند؛ یعنی بارها این عبارات را شنیده، دیده، لمس کرده و از نزدیک آن را تجربه کرده‌اند و در سطوح بالای هیجانی و حسی نسبت به آن قرار دارند؛ عبارت «هرچی هم بزرگ بشی، هنوز برای پدر و مادرت بچه هستی و صلاح تو رو بیشتر از خودت می‌خوان» نشان‌دهنده این امر است.

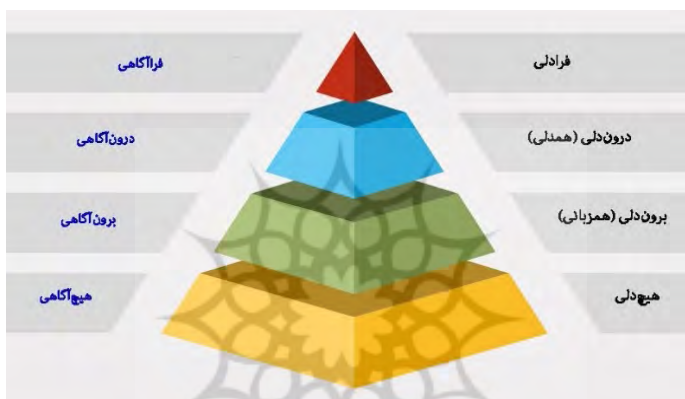
پ. بررسی الگوهای فرهنگی زبانهنگ دل‌نگرانی والدین

مینکوف و هافستد^{۵۱} (۲۰۱۳) معتقدند در جوامع با فاصله قدرت زیاد، معمولاً فرزندان از والدین اطاعت می‌کنند. بررسی داده‌های پژوهش نیز حاکی از این امر است که در خانواده‌های سنتی که رابطه سلسله‌مراتبی در آن‌ها حاکم است، والدین به‌ویژه پدر خانواده، جایگاه ویژه‌ای دارند و تمامی اعضای خانواده از او اطاعت می‌کنند. این رابطه حتی می‌تواند به‌صورت دیکتاتوری خیرخواهانه^{۵۲} (کاندن و یوسف،^{۵۳} ۱۹۷۵) باشد که تأییدی بر فرزندپروری سلطه‌گرایانه و مردنگری^{۵۴} (هافستد، ۱۹۸۳) جامعه ایرانی در گذشته است. البته در گذشته، روحیه جمع‌گرایی^{۵۵} (هافستد، ۱۹۸۳) بر خانواده‌های ایرانی حاکم بوده و تصمیمات گروهی و خانوادگی بر تصمیمات فردی اولویت داشته است، اما در خانواده‌های امروزی و نسل جدید، فرزندان تمایل بیشتری به تصمیم‌گیری برای زندگی خود دارند که این امر حرکت به سمت فردگرایی^{۵۶} را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، والدین در فرزندپروری معمولاً مصلحت جمع را در نظر می‌گیرند و برای متقاعدسازی

فرزندان نیز تلاش می‌کنند که این مهم تأییدی بر کل‌نگری^{۵۷} (نیسبت، پنگ، چوی و نورزایان،^{۵۸} ۲۰۰۱) جامعه ایرانی نیز می‌باشد.

نت: ارائه دسته‌بندی جدید از سبک‌های فرزندپروری والدین مبتنی بر میزان دل‌نگرانی

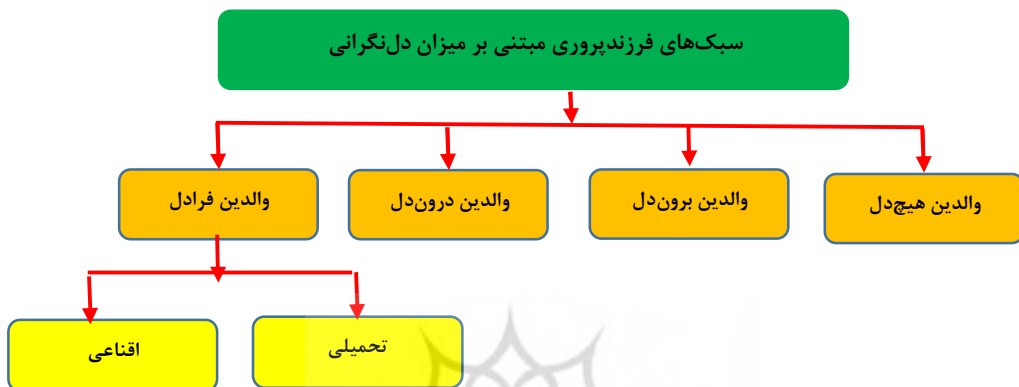
نگارندگان در بررسی‌های ارائه‌شده بر اساس الگوی تحلیل مفهومی زبانهنگ، به دسته‌بندی جدیدی از سبک‌های فرزندپروری برحسب میزان دل‌نگرانی والدین دست یافتند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. پیش‌قدم و همکاران (۲۰۲۲) میزان دل‌نگرانی افراد را به چهار دسته هیچ‌دلی،^{۵۹} برون‌دلی،^{۶۰} درون‌دلی^{۶۱} و فرادلی^{۶۲} تقسیم کرده‌اند که در شکل ۱ قابل مشاهده است:



شکل ۱: هرم میزان دغدغه‌مندی افراد نسبت به دیگری (Pishghadam et al., 2022)

منظور از هیچ‌دلی سطحی است که افراد در حالت غفلت و ناآگاهی نسبت به مسائل یکدیگر قرار دارند (هیچ‌آگاهی^{۶۳}) و هیچ‌گونه واکنش رفتاری و دغدغه‌مندی نسبت به فرد مقابل از خود نشان نمی‌دهند. در حالت برون‌دلی، افراد فقط به‌صورت همزبانی با مخاطب همراه می‌شوند و مساعدت عملی صورت نمی‌گیرد. یعنی فرد گوینده ممکن است توصیه یا نصیحتی به مخاطب خود بکند یا او را در سطح کلام قضاوت کند و برای وی دلسوزی نشان دهد (همدردی و سطح برون‌آگاهی^{۶۴}). در سطح درون‌دلی، افراد تلاش می‌کنند از سطح همزبانی کلامی فراتر رفته و در عمل به کمک وی بروند و با او همدلی کنند (پیش‌قدم و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین خود در مشکلات درگیر می‌شوند و مداخله عملی می‌کنند (درون‌آگاهی). در واقع، در این سطح که عمدتاً شناختی یا فرااحساسی است، درک علایق، تجربیات و دیدگاه‌های فرد دیگر و همچنین ظرفیت به‌اشتراک گذاشتن این درک به‌راحتی صورت می‌پذیرد (یعمایی،^{۶۵} ۱۴۰۱). در سطح فرادلی، افراد حداکثر میزان دغدغه‌مندی را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهند؛ یعنی فرد در نگاهی آینده‌نگرانه تلاش می‌کند زندگی دیگران را تغییر دهد و فراتر از لحظه حال را می‌بیند. هدف از این نوع دغدغه‌مندی، ساخت و ایجاد تغییر در افراد می‌باشد و ممکن است در ظاهر با روح همدلی سازگار نباشد؛ یعنی افراد ممکن است در لحظه درک عمیقی از فرادلی نداشته باشند و حتی از آن تصمیم ناراحت شوند (پیش‌قدم، ۲۰۲۲). بنابراین، میزان

درگیری فرد در مشکلات، حتی فراتر از کمک و مساعدت و در حد آینده‌نگری است (سطح فراآگاهی^{۶۶}) به‌طوری که فرد تصور می‌کند مسئله به‌وجودآمده مربوط به شخص اوست و میزان دلسوزی و مساعدت فراتر از حد تصور مخاطب است. بر اساس این دسته‌بندی از دغدغه‌مندی و با توجه به داده‌های گردآوری‌شده، می‌توان سبک‌های فرزندپروری را به شرح زیر ارائه داد:



شکل ۲: سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر دل‌نگرانی

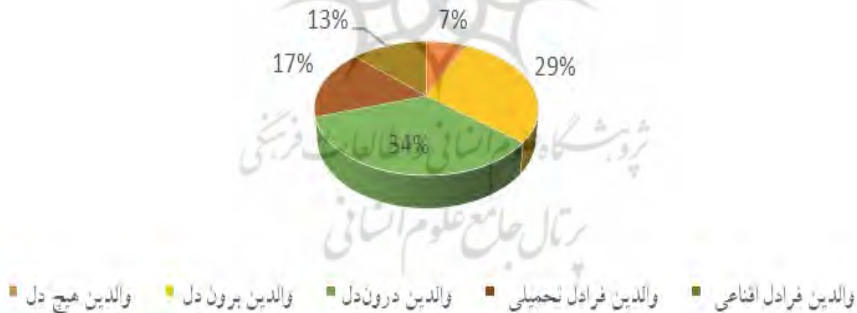
والدین هیچ‌دل: آن دسته از والدین هستند که همانند والدین با سبک فرزندپروری غفلت‌گرایانه، هیچ‌گونه اهمیتی به فرزندان خود نمی‌دهند و سرنوشت آنان و تصمیم‌گیری‌هایشان برای والدین هیچ‌گونه اهمیتی ندارد. به‌عنوان نمونه، فرزندی به پدرش اعلام کرده است که قصد ازدواج با دختر موردعلاقه‌اش را دارد و چنین پاسخی از وی شنیده است: «اگه می‌تونوی از پس هزینه‌های زندگی‌ات بریبای، بسم‌الله. مگه ما داماد شدیم کسی کم‌کمون کرد؟!» در این جمله، هیچ‌گونه مساعدتی در سطح هم‌زبانی و همدلی مشاهده نمی‌شود.

والدین برون‌دل: آن دسته از والدین هستند که فقط به‌صورت کلامی با مشکلات فرزندان خود برخورد می‌کنند و تلاش می‌کنند فقط با کلام در هنگام بروز مشکلات به آنان دل‌داری و تسلی دهند. این دسته از سبک فرزندپروری با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه همخوان است. به‌عنوان نمونه، دختری به مادرش گفته است: «مامان این ترم هم کم آوردم و این‌قدر روحیه‌م داغون بود، بازم نکشیدم» و مادرش به وی چنین پاسخی داده است: «شکال نداره مادر؛ این ترم نشد، ترم دیگه. مهم اینه تلاشت رو کردی». همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مساعدت مادر در حد زبانی است و مساعدت دیگری از وی در راستای رفع مشکل مشاهده نمی‌شود.

والدین درون‌دل: این نوع والدین، در سبک فرزندپروری خود تلاش می‌کنند گام‌هایی برای فرزندشان فراتر از کلام بردارند و مشکل وی را برطرف کنند. به‌عنوان نمونه، دختری با همسرش دچار مشکل شده و با مراجعه به منزل، خانواده‌اش به وی این‌گونه گفته‌اند: «هردا همه کار و زندگی‌مون رو می‌ذاریم کنار و میفتیم دنبال این پسره ببینیم حرف حسابش چیه. بی‌کس‌وکار و بی‌خانواده که نیستی نگران باشی».

والدین فرادل: همان گونه در شکل ۲ مشاهده می‌شود، والدین فرادل به دو دستهٔ تحمیلی و اقناعی تقسیم می‌شوند. والدین تحمیلی همانند والدین با سبک فرزندپروری سلطه‌گرایانه، تلاش می‌کنند به دلیل آینده‌نگری و صلاح خیرخواهانهٔ فرزند خود، فارغ از نظر شخصی و علاقهٔ وی، مداخلهٔ سلطه‌گرایانه کرده و نظر خود را به فرزندشان تحمیل کنند. به‌عنوان نمونه، پدری به فرزندش چنین گفته است: «حرف روی حرف من نباشه. تو هنوز بچه‌ای متوجه نیستی که داری با سرنوشتت چه کار می‌کنی. فردا با هم می‌ریم و پرونده‌ت رو می‌گیریم و مدرسهٔ دیگه‌ای ثبت‌نامت می‌کنیم». در این جمله، نظر شخصی فرزند مبنی بر انتخاب ماندن در مدرسه یا تغییر آن در نظر گرفته نشده و پدر با قطعیت اعلام می‌کند که به‌دلیل صلاح شخصی فرزندش، مصلحت را بهتر می‌داند و مدرسه باید تغییر یابد. در سبک فرزندپروری اقناعی، همانند سبک مقتدرانه، والدین تلاش می‌کنند آینده‌نگری و دغدغهٔ خود را به‌صورت اقناع‌گرایانه و با نصیحت و اندرز و آوردن دلایل متقن به فرزندشان نشان دهند و وی را متقاعد کنند که تصمیم گرفته‌شده به نفع اوست. به‌عنوان نمونه، مادری به پسرش چنین گفته است: «عزیزم کیه که به فکر جگرگوشه‌ش نباشه. اگه نگاهی به زندگی پسرعمه‌ت بندازی، دستت میاد که سربه‌هوایی می‌تونه چه بلایی سرت بیاره و دودمانت رو به باد بده. نگران نباش طلاهام رو می‌فروشم و می‌ریم برات مغازه می‌زنیم تا سروسامون بگیری». در این جمله، مادر با آوردن مثال از زندگی پسرعمهٔ فرزندش و عبرت‌گیری از او تلاش دارد وی را متقاعد کند که باید به دنبال کار برود و برای کمک به او پیشنهاد فروش طلاهایش را داده است.

با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده، بسامد انواع سبک‌های فرزندپروری بر اساس میزان دل‌نگرانی والدین به شرح زیر بوده است:



شکل ۳: درصد فراوانی میزان دغدغه‌مندی والدین در پژوهش حاضر

همان گونه که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، بیشترین میزان دغدغه‌مندی والدین در سطح درون‌دلی با بسامد ۳۴ درصد و پس از آن در سطح فرادلی با بسامد ۳۰ درصد (تحمیلی: ۱۷ درصد و اقناعی ۱۳ درصد)، برون‌دلی ۲۹ درصد و هیچ‌دلی ۷ درصد بوده است. بنابراین، به‌صورت کلی می‌توان سبک‌های فرزندپروری را به شرح زیر نشان داد.

احساس	والدین هیج‌دل	والدین برون‌دل (همزیانی)	والدین درون‌دل (همدلی)	والدین فرادل (اقتاعی و تحمیلی)
میزان دغدغه‌مندی	بدون دغدغه‌مندی	دغدغه‌مندی محدود	دغدغه‌مندی زیاد	دغدغه‌مندی خیلی زیاد
	هیج آگاه (غفلت‌ورزانه)	برون آگاه (سهل‌گیرانه)	درون آگاه (مقتدرانه)	فرا آگاه (مقتدرانه و سلطه‌گرایانه)

شکل ۴: انواع سبک‌های فرزندپروری

بحث و نتیجه‌گیری

فرزندپروری به مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌های تربیت فرزند به شیوه‌ای سازنده گفته می‌شود و پژوهش حاضر با هدف معرفی سبک‌های فرزندپروری بر اساس میزان دل‌نگرانی والدین صورت گرفت. با این هدف، نگارندگان ابتدا داده‌های پژوهش را بر اساس الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ مورد واکاوی قرار دادند. نتایج نشان داد که والدین در همهٔ صحنه‌های خصوصی و عمومی رسمی و غیررسمی این عبارات را در موقعیت نابرابر و غیررسمی نسبت به فرزندان خود با اهدافی نظیر مساعدت و همفکری، تحمیل نظر، اقلانگری، نصیحت، حفظ آبرو، تبریئهٔ خود، شماتت و سرزنش، گلایه، اعتراض و سلب مسئولیت با لحن‌های گوناگونی مانند حمایتی، نصیحت‌آمیز، مقتدرانه، بازدارنده، دلسوزانه، عصبانی، اعتراض‌آمیز، ملتسمانه، اطمینان‌دهنده، اغراق‌آمیز و بی‌اعتنا به کار می‌برند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، همهٔ اهداف اشاره‌شده به‌واسطهٔ دغدغه‌مندی والدین نسبت به فرزندان شکل گرفته است و هیج‌آمد افراد نسبت به آن‌ها در سطح درون‌آگاهی قرار دارد؛ یعنی از آنجایی که این عبارات در کلام روزمرهٔ والدین و فرزندان پربسامد است، میزان هیجان به‌واسطهٔ درگیری حواس نسبت به این عبارات بسیار زیاد می‌باشد. پیش‌قدم، جاجرمی و شایسته^{۶۷} (۲۰۱۶) و پیش‌قدم و اکبری^{۶۸} (۲۰۲۲) معتقدند با توجه به نوع هیجان‌ناشی از تجربیات، درک و برداشت افراد از یک مفهوم متفاوت است و میزان هیج‌آمد هر فرد بر اساس تجربهٔ او از موضوع و از طریق درگیری حواس و هیجان‌ناشی از آن تعیین می‌شود (جهانی، ابراهیمی و بامشکی،^{۶۹} ۱۴۰۰؛ ابراهیمی، طباطبائی‌ان و العبدوانی،^{۷۰} ۲۰۲۲). به همین دلیل، برخی فرزندان ممکن است هنگام شنیدن عبارات دل‌نگرانی والدین خود، به‌ویژه در سطح فرادلی تحمیلی، هیجان منفی را تجربه کنند و از شنیدن این عبارات طفره روند؛ اما برخی دیگر، از میزان دل‌نگرانی والدین نسبت به خود حس و هیجان مثبتی را تجربه می‌کنند و آن را حمایت از خود می‌پندارند. بنابراین، در برخی مواقع، هیج‌آمد ایجادشده از این عبارات در فرزندان، بنا بر تصورات فردی شکل می‌گیرد و ممکن است صحیح و واقعی نباشد؛ پیش‌قدم، ابراهیمی و العبدوانی (۱۴۰۱) این احساس را ضد هیج‌آمد^{۷۱} نامیده‌اند. در این شرایط، حتی والدین ممکن است تصور کنند میزان

دغدغه‌مندی آنان به نفع فرزندان‌شان است، ولی توجه زیاد و این دل‌نگرانی، به تربیت نادرست فرزند منجر می‌شود.

به‌صورت کلی، نگارندگان در پژوهش حاضر چهار سبک فرزندپروری را معرفی کردند که متناظر با سطوح دل‌نگرانی پیش‌قدم و همکاران (۲۰۲۲) است: ۱. والدین هیچ‌دل؛ ۲. والدین برون‌دل؛ ۳. والدین درون‌دل و ۴. والدین فرادل (الف. حمایتی، ب. اقماعی). والدین هیچ‌دل معتقدند فرزندان، به‌ویژه در سنین نوجوانی و جوانی به چنان استقلالی دست یافته‌اند که باید خود برای زندگی آینده‌شان تصمیم بگیرند، بنابراین در حالت افراطی ممکن است هیچ‌گونه دغدغه‌مندی نسبت به فرزندان نداشته باشند. والدین برون‌دل، همانند والدین سهل‌گیر در بیشتر مواقع به‌صورت زبانی به فرزند خود کمک می‌کنند و در برخی موارد در برابر بهانه‌جویی و اعتراض فرزند تسلیم می‌شوند. این امر همسو با پژوهش مهرافروز^{۷۲} (۱۳۷۸) است که ادعان دارد این والدین در تلاش هستند تا با شیوه‌ای همسو و موافق با امیال و اعمال کودک رفتار کنند. والدین درون‌دل با برقراری رابطه مثبت و سازنده در لحظهٔ رویارویی با مسئله، نسبت به فرزندان دل‌نگرانی خود را نشان می‌دهند و با او همدلی می‌کنند، اما دغدغه‌مندی برای آیندهٔ او ندارند. والدین فرادل همانند والدین مقتدر، دل‌نگرانی بسیار زیادی نسبت به فرزندان خود دارند؛ دلسوز و صمیمی هستند و تلاش می‌کنند با حداکثر میزان همکاری فرزندان خود را در راستای خیر و صلاحشان تربیت کنند. چنانچه سطح فرادلی از نوع تحمیلی باشد، ممکن است با اعتراض و افزایش شدت نگرانی فرزند همراه باشد (پیش‌قدم، ۲۰۲۲) یا به سدهی‌جامد منجر شود؛ یعنی والد تصور کند که در جهت خیر و صلاح فرزند خود دغدغه‌مند بوده است، در حالی که این میزان از دل‌نگرانی فقط به آسیب‌دیدن فرزند منجر شده است. در این سبک، فرزند باید بی‌قیدوشرط انتظارات و خواسته‌های والدینش را برآورده کند و احساس خودارزشمندی بسته به تأیید والد است. همسو با نتایج طاهری و همکاران^{۷۳} (۱۳۹۷)، در چنین مواردی فرزندان نسبت به توانایی‌های خود اطمینان زیادی ندارند و دغدغه‌مندی والدین معمولاً با دستورات و انتقادات همراه است. در واقع این نوع از دغدغه‌مندی، به‌نوعی محبت افراطی و از خودگذشتگی زیاد والدین را به همراه دارد و ممکن است احساس گناه برای به‌دست‌آوردن تأیید والدین را در فرزند به وجود آورد.

باید به این مهم توجه داشت که هریک از این سبک‌های فرزندپروری برای فرزندان فضای هیجانی متفاوتی را خلق می‌کند (نصیرزاده،^{۷۴} ۱۴۰۱). سبک فرزندپروری درون‌دل و فرادل، اگر افراطی نباشد، می‌تواند در فرزندان حمایت عاطفی بیشتری را در بر داشته باشد و سبب گرمی روابط میان والدین و فرزندان شود؛ این نتیجه همسو با پژوهش قربانی و امانی^{۷۵} (۱۳۹۴) است. آنان معتقدند سبک‌های فرزندپروری منطقی در افراد، ظرفیت واکنش عاطفی معتدلی را به وجود آورده که باعث می‌شود در هنگام نیاز و با توجه به موقعیت فرد، واکنش عاطفی نشان دهد و سبب کاهش گسل عاطفی میان والد و فرزندش شود. از سوی دیگر، در خانواده‌هایی که میزان درون‌دلی و فرادلی، به‌ویژه از نوع اقماعی زیادتر است، به نظر می‌رسد فرزندان از حمایت بیشتری از سوی والدین برخوردارند و همسو با نتایج پژوهش حسین‌نژاد و عبدالله‌زاده^{۷۶} (۱۳۹۴)، همانند خانواده‌های با سبک فرزندپروری مقتدرانه، ارزش‌ها در فرزندان این خانواده‌ها از بالندگی بیشتری برخوردار می‌شوند. اما در خانواده‌های با سبک فرزندپروری هیچ‌دلی و در بعضی مواقع با سبک فرزندپروری برون‌دلی، به‌دلیل برتری یافتن فرزندان نسبت به والدین در تصمیم‌گیری، ارزش‌ها رشد مناسبی نمی‌یابد. نتایج

نشان داد بیشترین میزان دل‌نگرانی والدین در سطح درون‌دلی و پس از آن در سطح فرادلی و برون‌دلی است. این نتیجه در راستای پژوهش یکتاپرست، اسعدی و رحیمی (۱۳۹۹) است که اذعان دارند در سال‌های گذشته، در سبک‌های فرزندپروری تغییر به وجود آمده است و سبک مقتدرانه که متناسب با سطح درون‌دلی و فرادلی می‌باشد، بر دیگر سبک‌ها غالب شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد افراد از جمع‌گرایی به سمت فردگرایی در حرکت هستند و فرزندان در جامعهٔ امروزی در مقایسه با خانواده‌های سنتی از فردیت، استقلال و قدرت عمل بیشتری برخوردار هستند (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۲۰۲۰). در چنین موقعیتی، چنانچه مشکلی برای فرزندان پیش بیاید، والدین به کمک آنان می‌شتابند و حتی دل‌نگرانی بیشتری از خود فرزندان تجربه می‌کنند (پیش‌قدم، ۲۰۲۲؛ پیش‌قدم و ابراهیمی، ۱۴۰۱). باید به این مهم توجه کرد که چنانچه میزان استقلال فرزندان از والدین بسیار زیاد باشد و به‌عبارتی والدین از سبک‌های سهل‌گیرانه، برون‌دل و هیچ‌دل بهره بگیرند، گسست عاطفی و نسلی بین والدین و فرزندان شکل می‌گیرد و این امر ممکن است در آینده فرزندان تأثیرات سوء داشته باشد. بنابراین برقراری تعادل میان سبک‌های فرزندپروری مهم است و والدین زمانی در والدگری خود موفق خواهند بود که بر اعمال و رفتار فرزندان خود نظارت داشته باشند و در موقع لزوم به حمایت از آنان بپردازند (خدادادی سنگده، محمدنظری، احمدی و حسنی، ۱۳۹۴)^{۷۷}. بنابراین به نظر می‌رسد از میان سبک‌های فرزندپروری ارائه‌شده، سبک فرادلی اقماعی از چنین ویژگی، به‌عنوان متناسب‌ترین سبک، در نظر گرفته شود. شایسته است والدین به این نوع سبک توجه بیشتری داشته باشند.

مطالعهٔ حاضر با بررسی تعدادی از والدین در مدت‌زمان پنج ماه و تا زمان اشباع داده‌ها صورت گرفته است. یکی از محدودیت‌های پژوهش بررسی عبارات زیاده‌تر با توجه به شهرهای مخاطبان بود که با توجه به دوران کرونا، امکان مصاحبهٔ حضوری بیشتر با افراد در سراسر ایران وجود نداشت. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، این عبارات با توجه به طبقهٔ اقتصادی و منطقهٔ سکونت افراد نیز مدنظر قرار گیرد؛ افزون بر این، با توجه به ارائهٔ دسته‌بندی جدید از فرزندپروری، پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری برای بررسی اثرات سبک فرزندپروری مبتنی بر میزان دل‌نگرانی در سنین متفاوت فرزندان و در موقعیت‌های هیجانی و اجتماعی گوناگون صورت گیرد؛ زیرا به نظر می‌رسد رفتار والدین و عبارات دل‌نگرانی که در شرایط گوناگون برای فرزندان خود استفاده می‌کنند، با توجه به سن آنان متفاوت باشد. از سوی دیگر، پیشنهاد می‌شود متغیرهای دخیل در این نوع دغدغه‌مندی‌ها در پژوهش‌های آتی و از مناظر گوناگون تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز مدنظر قرار گیرد؛ به این دلیل که سبک‌های فرزندپروری والدین بر رفتارهای فرزندان در محیط آموزشی و محیط جامعه نیز تأثیر مستقیم دارد. در نهایت، با توجه به تغییرات سبک‌های زندگی همراه با پیشرفت تکنولوژی، می‌توان بررسی کرد در دهه‌های مختلف چه تغییرات سبکی در فرزندپروری والدین و عبارات زبانه‌نگاری آنان از منظر دل‌نگرانی به وجود آمده است و کدام سبک به تدریج بر سایر سبک‌ها غالب می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Grolnick & Ryan
2. Tabatabaee, Fazli, & Yarali
3. Vakili & Agha Hoseini
4. Parenting style
5. Hardy, Power, & Jaedicke
6. Darling & Steinberg
7. Sarban, Morad, & Tabibi
8. Yazdani & Daryei
9. Arjmandnia, Safaee, & Maleki
10. Jahanbakhshi, & Shabani
11. Parental control
12. Warmth
13. Baumerind
14. Scheafer
15. Authoritarian
16. Authoritative
17. Indulgent
18. Uninvolved
19. Smetana
20. Barber, Stolz, & Olsen
21. Kopko
22. Abar, Carter, & Winsler
23. Khalilifard, Kazemi, & Javidi
24. Saidi Mehr, Geravandi, Sahebalzamani, & Mohammadi
25. Bakhtavar
26. Sadeghi, Ayoubi, & Brand
27. Tiwari
28. Yektaparast, Asadi, & Rahimi
29. Pouryazdanpanah Kermani
30. Pishghadam & Ebrahimi
31. Cultuling
32. Pishghadam, Derakhshan, & Ebrahimi
33. Pishghadam, Ebrahimi, Shairi, & Derakhshan
34. Cultuling of concerns for others
35. Euculturation
36. Dahl
37. Mininni
38. Hymes
39. Setting/Scene
40. Participants
41. End
42. Act sequence
43. Key
44. Instrumentalities
45. Norms of interaction and interpretation
46. Genre
47. Emotioncy pattern
48. Cultural patterns
49. Maltseva
50. Involvement
51. Minkov & Hofstede
52. Benevolent dictatorship
53. Condon & Yousef
54. Masculinity
55. Collectivism
56. Individualism
57. Holistic
58. Nisbett, Peng, Choi, & Norenzayan
59. Apathy
60. Sympathy
61. Empathy
62. Metapathy
63. Avolvement
64. Exvolvement
65. Yaghmaee
66. Metavolvement
67. Pishghadam, Jajarmi, & Shayesteh
68. Pishghadam & Akbari
69. Jahani, Ebrahimi, & Bamehski
70. Ebrahimi, Tabatabaiean, & Alabdwnani
71. Anti-emotioncy
72. Mehrafroz
73. Taheri et al.
74. Nasirzadeh
75. Ghorbani & Amani
76. Hossaynnejaad & Abdollaahzaadeh
77. Khodadai Sangdeh, Mohammad Nazari, Ahmadi, & Hasani

منابع

- ارجمندنیا، ع.، صفایی، ا. و ملکی، س. (۱۳۹۶). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا. *روان‌شناسی خانواده*، ۴(۱)، ۶۴-۵۳.
- بخت‌آور، م. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی والدین با تیپ‌های شخصیتی فرزندان آن‌ها. *علوم روان‌شناختی*، ۱۹(۸۶)، ۱۶۹-۱۵۹.
- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۱). معرفی زباهنگ به‌عنوان ابزاری تحوّل‌گرا در فرهنگ‌کاو زبان. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴(۴)، ۴۷-۶۲.
- پیش‌قدم، ر. و ابراهیمی، ش. (۱۴۰۱). بررسی زباهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در ایرانیان: از هیچ‌دلی تا فرادالی. *زبان پژوهی*، ۱۲(۱)، ۴۱-۱.
- پیش‌قدم، ر.، ابراهیمی، ش. و العبدوانی، ت. (۱۴۰۱). طراحی و هنجاریابی پرسش‌نامهٔ انرژی معلم: گامی به سوی فرادالی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۶(۱)، ۲۸-۱.
- پیش‌قدم، ر.، ابراهیمی، ش.، شعیری، ح. و درخشان، ع. (۱۴۰۰). معرفی زباهیجان به‌عنوان حلقهٔ مفقودهٔ قوم‌نگاری ارتباط: مکمل الگوی SPEAKING هایمز. *جستارهای زبانی*، ۱۲(۱)، ۴۱-۱.
- پوریزدان‌پناه کرمانی، ف. (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی زباهنگ مدرک‌ستایی و کاربرد گفتمانی آن در زبان فارسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۳(۴)، ۹۶-۶۱.
- جهانی، ز.، ابراهیمی، ش. و بامشکی، س. (۱۴۰۰). بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان و مدرسان از محتوای کتاب‌های تاریخ زبان فارسی بر اساس الگوی هیجامد. *پژوهش‌نامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۲۱(۹)، ۲۱۸-۱۹۳.
- حسین‌نژاد، م. و عبدالله‌زاده، ح. (۱۳۹۶). بررسی نقش سبک فرزندپروری والدین در اجتماعی شدن دانش‌آموزان مدارس راهنمایی (رویکردی اجتماعی - فرهنگی). *تعلیم‌وتربیت*، ۳۱(۱۲۲)، ۱۴۴-۱۱۹.
- خدادادی سنگده، ج.، نظری، ع. م.، احمدی، خ. و حسینی، ج. (۱۳۹۴). تجربه‌های والدین موفق در مورد زمینه‌های خانوادهٔ سالم: یک پژوهش کیفی. *مجلهٔ تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۴(۲)، ۱۹۰-۱۷۷.
- خلیلی‌فرد، م.، کاظمی، س. و جاویدی، ح. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی برای سبک‌های فرزندپروری و معنای زندگی در دانش‌آموزان پایهٔ سوم دورهٔ دبیرستان‌های شهر شیراز. *روش‌ها و مدل‌های شناختی*، ۴(۱۵)، ۷۰-۵۷.
- سعیدی‌مهر، س.، گراوندی، س.، صاحب‌الزمانی، ح. و محمدی، م. ج. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش مدیریت بحران بر میزان آگاهی پرستاران در مدیریت شرایط بحران. *نشریهٔ دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه (طنین سلامت)*، ۲(۴)، ۴۶-۵۱.
- طاهری، ن.، شیرزادگان، ر.، الهامی، س.، محمودی، ن.، بان، م. و سروندیان، س. (۱۳۹۷). سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی در دانشجویان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند. *فصلنامهٔ پرستاری، مامایی و پیراپزشکی*، ۳(۲)، ۷۳-۵۸.
- طباطبایی، س. ع.، فضلی، ر. و یارعلی، ج. (۱۳۹۳). بررسی رابطهٔ سبک‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی. *خانواده و پژوهش*، ۱۱(۱)، ۲۲-۷.
- قربانی، آ. و امانی، ا. (۱۳۹۴). تبیین مدل نظری برای سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و خودمتمایزسازی زوجین. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۶(۲۱)، ۸۶-۶۷.
- مهرفروز، ح. (۱۳۷۸). بررسی رابطهٔ بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایهٔ چهارم ابتدایی (پایان‌نامهٔ منتشرنشدهٔ کارشناسی‌ارشد)، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- نصیرزاده، ب. (۱۴۰۱). رابطهٔ سبک‌های فرزندپروری با هوش هیجانی در دانش‌آموزان. *ایده‌های نوین روان‌شناسی*، ۱۲(۱۶)، ۱۲-۱.
- وکیلی، پ. و آقاسینی، ن. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزهٔ پیشرفت و حرمت خود کودکان. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۵(۲)، ۲۲-۱.
- یکتاپرست، م.، اسعدی، س. و رحیمی، م. (۱۳۹۹). بررسی تغییرات در سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده در طول چهار نسل متوالی. *زنان و خانواده*، ۱۵(۵۱)، ۷۰-۵۵.
- یغمایی، م. (۱۴۰۱). *همدلی. آموزش در علوم پزشکی*، ۲۲(۹)، ۶۳-۵۳.

- Abar, B., Carter, K. L., & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. *Journal of Adolescence*, 32(2), 259-273.
- Akbari, M. H., & Pishghadam, R. (2022). Developing new software to analyze the emo-sensory load of language. *Journal of Business, Communication & Technology*, 1(1), 1-13.
- Arjmandnia, A. A., Safaee, E., & Maleki, S. (2017). Evaluation of psychometric properties of Arjmandnia parenting methods scale. *Journal of Family Psychology*, 4(1), 53-64 [in Persian].
- Bakhtavar, M. (2020). The relationship between parenting styles and parental demographic components with their children's personality types. *Journal of Psychological Science*, 19(86), 159-169 [in Persian].
- Barber, B. K., Stolz, H. E., & Olsen, J. A. (2005). Parental support, psychological control, and behavioral control: Assessing relevance across time, culture, and method. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 70(4), 84-95.
- Baumerind, D. (1996). The effects of authoritative parental control on child behavior. *Child Development*, 37(2), 887-907.
- Condon, J. C., & Yousef, F. S. (1975). *An introduction to intercultural communication* (Vol. 19). MacMillan Publishing Company.
- Dahl, G. (2004). Qualitative analysis of films: Cultural processes in the mirror of film. *Forum: Qualitative Social Research*, 5(2), 1-43.
- Ebrahimi, S., Tabatabaieian, M. S., & Alabdwni, T. (2022). Enhancing the communicative skills of normal and mentally-challenged learners through emo-sensory textbooks. *Journal of Business, Communication & Technology*, 1(2), 1-12.
- Ghorbani, A., & Amani, A. (2015). The explanatory theoretical model for parenting styles, attachment styles, and differentiation of couples. *Culture Counseling*, 6(21), 67-86 [in Persian].
- Grolnick, W., & Ryan, R. (2009). Parent styles associated with self-regulation and competence in school. *Journal of Educational Psychology*, 81(2), 143-154.
- Hardy, D. F., Power, T. G., & Jadedicke, S. (1993). Examining the relation of parenting to children's coping with everyday stress. *Child Develops*, 64(6), 18-48.
- Hofstede, G. (1983). National cultures in four dimensions: A research-based theory of cultural differences among nations. *International Studies of Management & Organization*, 13(1-2), 46-74.
- Hossaynejaad, M., & Abdollaahzaadeh, H. (2015). The role of child-rearing practices in the socialization processes of junior high school students: A socio-cultural perspective. *Journal of Education*, 31(2), 119-144 [in Persian].
- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 33(2), 8-28.
- Jahanbakhshi, Z., & Shabani, F. (2022). Predicting loneliness based on perceived parenting style and self-esteem in adolescents: the moderating role of gender. *Journal of Preventive Counselling*, 3(2), 18-31.
- Jahani, Z., Ebrahimi, S., & Bameshki, S. (2021). An emotioncy-based investigation into students' and teachers' satisfaction with the content of the Persian language history books. *Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences*, 21(9), 177-200 [in Persian].
- Khalilifard, M., Kazemi, S., & Javidi, H. (2014). Mediating role of religious orientation for parenting styles and meaning of life in junior high school students in Shiraz. *Journal of Psychological Models and Methods*, 4(15), 59-73 [in Persian].

- Khodadai Sangdeh, J., Nazari, A. M., Ahmadi, Kh., & Hasani, J. (2015). Successful parent's experiences regarding factors affecting a healthy family: A qualitative research. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 4(2), 178-190 [in Persian].
- Maltseva, K. (2017). Cultural models and belief systems: Detection and quantitative assessment of the threshold of shared collective knowledge. *Матеріал надійшов*, 196, 38-45.
- Minkov, M., & Hofstede, G. (2013). *Cross-cultural analysis: The science and art of comparing the world's modern societies and their cultures*. SAGE publication.
- Mininni, G. (2004). *Psicologia e Media*. Laterza.
- Nasirzadeh, B. (2022). The relationship between parenting styles and emotional intelligence in students. *Journal of Psychology New Ideas*, 12(16), 1-12 [in Persian].
- Nisbett, R. E., Peng, K., Choi, I., & Norenzayan, A. (2001). Culture and systems of thought: holistic versus analytic cognition. *Psychological Review*, 108(2), 291.
- Pishghadam, R. (2013). Introducing cultuling as a dynamic tool in culturology of language. *Language and Translation Studies*, 45(4), 47-62 [in Persian].
- Pishghadam, R. (2015, October). *Emotioncy in language education: From exvovement to involvement*. Paper presented at the 2nd Conference of Interdisciplinary Approaches to Language Teaching, Literature, and Translation Studies. Mashhad, Iran.
- Pishghadam, R. (2022). *104 conceptual concepts*. Lulu Press.
- Pishghadam, R., Al Abdwani, T., Kolahi Ahari, M., Hasanzadeh, S., & Shayesteh, S. (2022). Introducing metapathy as a movement beyond empathy: A case of socioeconomic status. *International Journal of Society, Culture, and Language*, 10(2), 35-49.
- Pishghadam, R., Derakhshan, A., & Ebrahimi, S. (2022). Cultuling analysis of “devaluation” in the Iranian culture. *Language Related Research*, 12(5), 1-25.
- Pishghadam, R., & Ebrahimi, S. (2020). *Cultuling: A novel approach to examine Iranian's cultural meme*. Amazon Publications Inc.
- Pishghadam, R., & Ebrahimi, S. (2022). Examining the cultuling of Iranians' concerns for others: From apathy to metapathy. *Journal of Language Research*, <https://doi.org/10.22051/jlr.2023.40927.2203> [in Persian].
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Alabdwni, T. (2023). Development and validation of the teacher energy scale: A movement toward metapathy. *Language and Translation Studies*, 56(1), 1-38 [in Persian].
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Derakhshan, A. (2020). Cultuling analysis: A new methodology for discovering cultural memes. *International Journal of Society, Culture, and Language*, 8(2), 17-34.
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., Shairi H. R., & Derakhshan, A. (2021). Introducing “emoling” as the missing link in ethnography of communication: A complement to Hymes' SPEAKING model. *Language Related Research*, 12(1), 1-41 [in Persian].
- Pishghadam, R., Jajarmi, H., & Shayesteh, S. (2016). Conceptualizing sensory relativism in light of emotioncy: A movement beyond linguistic relativism. *International Journal of Society, Culture & Language*, 4(2), 11-21.
- Pouryazdanpanah Kermani, F. (2021). A sociological study of cultuling of “certificate admiration” and its discorsal function in Persian. *Language and Translation Studies*, 53(4), 61-96 [in Persian].
- Saidi Mehr, S., Geravandi, S., Sahebalzamani, M., & Mohammadi, M. J. (2015). The effect of education on the awareness of nurses about disaster management. *Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences*, 2(4), 52-46 [in Persian].
- Sadeghi, S., Ayoubi, S., & Brand, S. (2022). Parenting styles predict future-oriented cognition in children: A cross-sectional study. *Children*, 9, 1-12.

- Sarban, H., Morad, A., & Tabibi, Z. (2014). Relationship between parental educational attitudes and the dimensions of psychosocial health (self-concept and social interaction) of adolescent girls. *School of Psychology*, 2(3), 97-124.
- Scheafer, E. S. (2003). Circumflex model for maternal behavior. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 5(2), 226-235.
- Smetana, J. G. (2011). *Adolescents, families and social development: How teens construct their worlds*. Wiley -Blackwell.
- Tabatabaee, S. A., Fazli, R., & Yarali, J. (2013). Parenting styles, educational achievement, and behavioral disorders among elementary school students. *Journal of Family and Research*, 10(1), 7-22 [in Persian].
- Taheri, N., Shirzadegan, R., Elhami, S., Mahmoudi, N., Ban, M., & Sarvandian, S. (2017). Parents' parenting styles with perfection in single-parent families and several children. *Scientific Journal of Nursing, Midwifery and Paramedical Faculty*, 3(2), 58-73 [in Persian].
- Tiwari, A. P. (2022). Authoritative Parenting: The best styles in children's learning. *American Journal of Education & Technology*, 1(3), 18-21.
- Vakili, P., & Agha Hoseini, N. (2020). The effect of parents' parenting styles on the children's achievement motivation and self-esteem. *Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal*, 5(2), 1-22 [in Persian].
- Yaghmaee, S. (2022). Empathy. *Iranian Journal of Medical Education*, 22(9), 53-53 [in Persian].
- Yazdani, S., & Daryei, G. (2016). Parenting styles and psychological adjustment of gifted and normal adolescents. *Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences*, 2(3), 100-105.
- Yektaparast, M., Asadi, S., & Rahimi, M. (2021). An investigation into the changes in perceived parenting styles during four consecutive generations. *The Women and Families Cultural-Educational Journal*, 15(51), 55-70 [in Persian].